



Est.1994

JCL

Journal of the College of Languages

Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279

E-ISSN: 2520-3517

2022, No.(45)

Pg.367-393

A Criticism and study of “The Arabic translations of contemporary Persian novels” (“Translations of Muhammad Alauddin Mansour” as a model)

Asst. Instructor Jasim Raddam Mahmoud (Ph. D.)

E-mail: jassimraddam@colang.uo Baghdad.edu.iq

University of Baghdad, College of Languages - Department of Persian Language, Baghdad, Iraq.

(Received on 4/4/2021 - Accepted on 4/5/2021 - Published on 2/1/2022)

DOI: <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2022.0.45.0367>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Abstract

Arab translators have always paid great attention to the translation of the Persian literary genres, in particular, contemporary Iranian novels. They have always translated for the most prominent Iranian novelists such as Jalal Al Ahmad, Sadiq Hidayat, Mahmoud Dowlatabadi, Bozorg Alavi, Ismail Fasih, Houshang Golshiri, Gholam-Hossein Saedi, Simin Daneshvar, Sadiq Chubak, Samad Behrangi and others that have succeeded in perfectly picturing the Iranian society.

Within the perspectives of Arab translators and by using the descriptive - analytical approach, the present study provides an analytical study of the translation into Arabic some of the modern Persian novels. Moreover, the study also gives a critical analysis of the translation of the Egyptian

Muhammad Alauddin Mansour into Arabic two of the selected models of the Iranian novels: (Termite) by *Bozorg Alavi* and (Winter 84) by *Ismail Fasih*. The study also elucidates a critical analysis of some semantic and stylistic aspects of the translation as well as some of the translator's committed mistakes between the original and the translated texts.

Key words: translation criticism, Arabic translation, contemporary novel, Muhammad Alauddin Mansour, Termite, Winter 84.

نقد و بررسی ترجمه‌ی عربی رمان‌های معاصر فارسی (ترجمه‌های محمد علاء الدین منصور - بررسی نمونه‌ای)

استادیار دکتر جاسم ردام محمود

E-mail: jassimraddam@colang.uo Baghdad.edu.iq

دانشگاه بغداد - دانشکده‌ی زبان - گروه زبان و ادبیات فارسی

چکیده

رمان فارسی یکی از ژانرهای ادبی است که مترجمان عرب‌زبان به آن توجه زیادی نشان داده‌اند و می‌توان گفت که به ویژه رمان‌های معاصر ایرانی همواره مورد اقبال مترجمان عرب بوده‌اند. مترجمان عرب بسیاری از رمان‌های نویسندگان مشهور ایرانی را ترجمه کردند که از طریق آن‌ها تصویر جامعه ایران را به جهان عرب منتقل می‌کردند.

در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی به نقد و بررسی " ترجمه‌ی عربی رمان‌های معاصر فارسی" در قالب بررسی موضوعاتی همچون نگاهی به ترجمه‌های مترجمین عرب از رمان‌های معاصر فارسی، نقدی کوتاه بر ترجمه‌ی رمان‌های معاصر فارسی به عربی و نقد و بررسی نمونه‌های برگزیده‌ای از ترجمه‌ی مترجم مصری محمد علاء الدین منصور از رمان (موریانه) نوشته بزرگ علوی رمان (زمستان 62) نوشته اسماعیل فصیح پرداخته‌ایم. بدین ترتیب که ضمن مطالعه‌ی دو رمان مذکور و مقابله متن ترجمه شده با متن اصلی، برخی مسائل معنایی و سبک‌شناختی و اشتباهات مترجم را با مقایسه متن ترجمه شده با متن اصلی بررسی و تحلیل کرده‌ایم.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، ترجمه‌ی عربی، رمان معاصر، محمد علاء‌الدین منصور، موریانه، زمستان 62.

- پیشگفتار

از گذشته‌های دور تا کنون ترجمه نقش مهمی در انتقال فرهنگ ، هنر ، اندیشه ، آیین‌ها و آداب و رسوم مردم ملل گوناگون به یکدیگر داشته است. در این میان ترجمه آثار ادبی یکی از ماندگارترین آثار فکری و فرهنگی بین ملل به شمار می‌رود و در عین حال است که از طریق ترجمه در گذشته در بین مردم جوام مختلف رواج داشته و روز به روز بر اندازه‌ی آن افزوده می‌شود. در طول تاریخ ایران و ایرانیان ، مانند سایر جوامع ، در ترجمه آثار خود به فکر زبان-های دیگر و بالعکس نقش مهمی داشته است.

یکی از دوره‌هایی که ایرانیان از ظرفیت زبان عربی به طور کامل بهره برداری می‌کردند ، به دوره پس از ورود اسلام به ایران برمی‌گردد ، به گونه‌ای که از آن زمان آثار ارزشمندی در حوزه‌ی تألیف و ترجمه باقی مانده است. در دوره‌ی معاصر نیز بسیاری از نویسندگان و پژوهندگان ایرانی از چنین توانایی استفاده کرده‌اند. از طرف دیگر ، عرب‌ها نیز از این تبادل فرهنگی و فکری بی‌بهره نبودند. و دلیل ما ، برخی از آثار و تألیفات ادبی ایرانیان است که در دوره‌های مختلف ، از جمله دوران معاصر به زبان عربی برگردانده شده است ؛ هرچند ، واضح است که آثار و تألیفات ادبی فارسی ظرفیت بالاتری نسبت به آنچه که تاکنون به عربی برگردانده شده است ، دارند.

مترجمین عرب ، آثار ادبی مختلف و متنوعی از ادبیات فارسی را برای مردم عرب‌زبان ترجمه کردند و این آثار ادبی را جهانی‌تر کرده‌اند. از جمله آثار ترجمه شده ، ادبیات معاصر فارسی است که توسط مترجمین عرب مورد توجه قرار گرفته است ، بنابراین بسیاری از مترجمانی که عاشق ادبیات فارسی هستند تلاش کرده‌اند مجموعه‌ای از شعر یا داستان معاصر فارسی را ترجمه کنند و جهان عرب را با روندی که ادبیات فارسی در این دوران طی می‌کند آشنا سازند. رمان فارسی نیز یکی از انواع ادبی است که مترجمین عرب‌زبان به آن توجه زیادی نشان داده‌اند و می‌توان گفت که رمان‌های معاصر ایرانی مورد اقبال مترجمین عرب قرار گرفته است. و مترجمین عرب بسیاری از رمان‌های نویسندگان مشهور ایرانی مانند جلال آل احمد ، صادق هدایت ، محمود دولت‌آبادی ، بزرگ علوی ، اسماعیل فصیح ، هوشنگ گلشیری ، غلامحسین ساعدی ، سیمین دانشور ، صادق چوبک ، صمد بهرنگی و غیره را ترجمه کردند که از طریق آن‌ها تصویر جامعه ایران را به جهان عرب منتقل می‌کردند.

در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی به نقد و بررسی " ترجمه‌ی عربی رمان‌های معاصر فارسی" در قالب بررسی موضوعاتی همچون نگاهی به ترجمه‌های مترجمین عرب از رمان‌های معاصر فارسی ، نقدی کوتاه بر ترجمه‌ی رمان‌های معاصر فارسی به عربی و نقد و بررسی نمونه‌های برگزیده‌ای از ترجمه‌ی مترجم مصری استاد محمد علاء الدین منصور از رمان (موریانه) از بزرگ علوی رمان (زمستان 62) از اسماعیل فصیح پرداخته‌ایم. بدین ترتیب

که ضمن مطالعه‌ی دو رمان مذکور و مقابله متن ترجمه شده با متن اصلی ، مواردی را در زمینه‌ی مسائل معنایی ، مسائل دخل و تصرف و سبک متن مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است.

1- نگاهی به ترجمه‌های مترجمین عرب از رمان‌های معاصر فارسی

بعد از تحقق نهضت ادبی عرب در سده‌ی بیستم ، که تقریباً همزمان با شکوفایی ادبیات مدرن فارسی بوده ، عرب‌ها توجه ویژه‌ای به زبان و ادبیات فارسی کرده و آثار ادبی شاعران و نویسندگان معروف ایرانی را مطالعه و ترجمه کرده‌اند. در واقع، در سده‌ی بیستم و بعد از تأسیس دانشگاه‌های مدرن در کشورهای عربی، موضوع ایران‌شناسی به ویژه در زمینه‌ی تاریخ و ادبیات توجه مترجمان و روشنفکران عرب را به خود جلب کرد.

رمان معاصر فارسی یکی از زمینه‌هایی است که از قرن بیستم توسط ایران‌شناسان عرب مورد مطالعه قرار گرفته است. "آغاز ترجمه‌ی رمان‌های مدرن فارسی به زبان عربی ، به اواسط دهه‌ی 70 قرن گذشته برمی‌گردد. ابراهیم الدسوقی شتا ، ایران‌شناس ، مترجم و محقق مصری در سال 1976م ، رمان "بوف کور" صادق هدایت را برای اولین بار به زبان عربی ترجمه کرد. پس از آن ، هیچ رمانی به مدت 19 سال از زبان فارسی به زبان عربی ترجمه نشد تا این که "ثریا در اغما" اثر اسماعیل فصیح توسط محمد علاء الدین منصور در سال 1995م ترجمه و به بازار کتاب عرضه شد. در سال‌های آخر قرن بیستم، ایران‌شناسان و مترجمین عرب به ویژه مصری‌ها، ترجمه‌ی رمان معاصر فارسی را آغاز کردند و عبدالوهاب علوب رمان "نون والقلم" اثر جلال آل‌احمد را به زبان عربی ترجمه کرد. در همان سال ماجده العناتی نیز رمان "نون والقلم" را به زبان عربی ترجمه و توسط شورای ملی فرهنگ ، هنر و ادبیات کویت منتشر نمود. همچنین در سال 1999م ، عمر عدس ، رمان "بوف کور" را بار دیگر به زبان عربی ترجمه و آن را در آلمان منتشر کرد. احمد فتحی یوسف شتا رمان "دراز نای شب" اثر جمال میرصادقی را به زبان عربی ترجمه کرد و این آخرین رمانی بود که در قرن بیستم به زبان عربی ترجمه شده است." (الدهنی ، 2008: 2 / 9-10) (Al-Dahni, 2008, p. 2/ 9-10)

با آغاز قرن بیست و یکم ، ترجمه‌ی رمان فارسی وارد دوران جدیدی شد و تعدادی از رمان‌های مدرن فارسی از جمله برخی از آثار برجسته به زبان عربی ترجمه شد. رمان "موریانه" اثر بزرگ علوی اولین رمانی است که در قرن بیست و یکم ترجمه شده است که استاد محمد علاء الدین منصور آن را در سال 2000م به عربی برگردانده است. بعد از رمان "موریانه"، رمان "داستان جاوید" نوشته اسماعیل فصیح با ترجمه محمد علاء الدین منصور در همان سال منتشر شد. عادل عبدالمنعم علی نیز رمان "مدیر مدرسه" اثر جلال آل‌احمد را در سال 2001م ترجمه و منتشر کرد. در سال 2002م ، 6 رمان از فارسی به عربی نیز ترجمه شده است که عبارتند از :

- "جای خالی سلوج" اثر محمود دولت‌آبادی که سلیم عبد‌الأمیر حمدان آن را ترجمه نمود.

- "درد سیاوش" اثر اسماعیل فصیح که سلیم عبد‌الأمیر حمدان آن را ترجمه کرد.

- "آتش‌بازی" نوشته اشرف اسدی که محمود سلامه علاوی آن را به عربی برگرداند.
- "سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ" اثر زین العابدین مراغه‌ای که محمود سلامه علاوی این کتاب سه جلدی را به عربی ترجمه کرد.
- "خریدار عشق" نوشته محمدعلی بهزاد راد که یوسف عبدالفتاح فرج آن را ترجمه کرد.
- "از طاووس تا فرح" نوشته محمدعلی طلوعی که محمود سلامه علاوی آن را به عربی ترجمه نمود. (ر.ک؛ زائری، 2012، 58-59) (refer to, Zairi, 2012, p. 58-59)
- "در سال 2003م، فقط یک رمان فارسی به نام "مرگ سودخور" نوشته صدر الدین عینی، نویسنده‌ی تاجیک با ترجمه محمد علاء الدین منصور و عبدالحفیظ یعقوب منتشر شد. تمام رمان‌های ذکر شده توسط شورای عالی فرهنگی مصر منتشر شدند.
- در سال 2005م همچنین شورای عالی فرهنگی مصر، 4 رمان فارسی را به عنوان بخشی از طرح قومی، ترجمه به زبان عربی ترجمه و منتشر کرد. این 4 رمان عبارت بودند از: رمان "دردار" و "شازده احتجاب" اثر هوشنگ گلشیری و رمان "همسایه‌ها" اثر احمد محمود که هر سه اثر را عبدالامیر حمدان به عربی ترجمه نمود. رمان "محبوبه" نوشته فتانه حاج سید جوادی، ترجمه‌ی ماجده العنانی نیز چهارمین رمانی بود که در این سال به عربی ترجمه شد.
- این روند در سال‌های اخیر ادامه داشته است و رمان‌های دیگری نیز از فارسی به عربی ترجمه شده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به رمان "سفر" اثر محمود دولت آبادی، ترجمه‌ی عبدالامیر حمدان، رمان "فراموشم نکن" نوشته‌ی مریم جعفری، ترجمه‌ی هویدا عزت محمد، رمان "آنک این یتیم نظر کرده" اثر محمدرضا سرشار، ترجمه‌ی بتول مشکین‌فام، رمان "من او" اثر رضا امیر خانی، ترجمه محمد ابی‌الامین و رمان "زمستان 62" نوشته‌ی اسماعیل فصیح، ترجمه‌ی محمد علاء الدین منصور، اشاره کرد. بیشتر این رمان‌ها توسط شورای عالی فرهنگی در مصر و شورای ملی فرهنگ، هنر و ادبیات در کویت منتشر شده‌اند. این مسأله بیانگر نقش ارزنده‌ی این دو مرکز در گسترش فرهنگ و ادبیات فارسی در جهان است." (الدهنی، 2008: 82 / 88 - 82) (Al-Dahni, 2008, p. 2/ 82-88)
- علاوه بر ترجمه‌ی رمان‌های فارسی به زبان عربی، برخی از ایران‌شناسان، مترجمین و اساتیدی که در زمینه‌ی ادبیات فارسی فعالیت می‌کنند، به تألیف و ترجمه درباره‌ی رمان معاصر فارسی نیز پرداخته‌اند. کتاب "مطالعات فی الروایة الفارسیة المعاصرة" اولین کتاب مستقلی است که در مورد رمان معاصر فارسی به زبان عربی نوشته شده است. مؤلف کتاب مذکور، ابراهیم الدسوقی شتا است که آن را در سال 1986م تألیف و منتشر کرد. شتا در این کتاب 7 رمان را انتخاب کرد و نمونه‌هایی از رمان معاصر فارسی را بررسی کرد. و این 7 رمان عبارتند از: "گل‌هایی که در جهنم می‌روید" اثر محمد مسعود، "زیبا" نوشته محمد حجازی، "دار المجانین" تألیف سید محمدعلی جمالزاده، "تنگسیر" اثر صادق چوبک،

"شوهر آهو خانم" تألیف علی محمد افغانی" ، دراز نای شب" نوشته‌ی جمال میر صادقی و "نون و القلم" اثر جلال آل احمد. (ر.ک ؛ شتا ، 1986) (refer to, Sheta,1986)

شتا در مقدمه‌ی کتاب خود ، دلیل انتخاب این آثار را وجود روش‌های مختلف ، بازتاب تصویر ملت ایران ، نشان دادن تحولات اجتماعی ایران ، تصویر زندگی روزمره‌ی ایرانیان ، آداب و رسوم آن‌ها و همچنین بیان سیر تحول رمان و نثر فارسی بیان کرده است. (ر.ک : همان : مقدمه) (Same source: Introduction)

در این کتاب 195 صفحه‌ای ، شتا در ابتدای نقد و بررسی هر رمان ، اشاره‌ای به زندگی‌نامه‌ی نویسنده کرده و سپس شرح مختصری از خود رمان ارائه داده است. وی بعد از شرح رمان ، به انتقادات کوتاهی که توسط منتقدین دیگر در مورد اثر نوشته شده ، اشاره کرد و پس از آن به خلاصه‌ی داستان رمان را پرداخته و نمونه‌هایی از متن آن را پرداخته است. یکی از نقاط ضعف این کتاب ، بی‌توجهی نویسنده به پیشینه‌ی تاریخ نگاری و سیر و تحول رمان فارسی است ؛ به گونه‌ای که از همان آغاز کتاب مستقیماً وارد نقد و بررسی رمان‌ها شده و هیچ اشاره‌ای به موضوعات مورد نظر نکرده است. مشکل دیگر کتاب این است که هیچ گونه نقد فنی درباره‌ی اثر نداشته است. نویسنده فقط رمان را توصیف می‌کند و نقد فنی خود را در مورد اثر نیاورده است. به عقیده‌ی علی زائری "نام کتاب با محتوای آن چندان مطابقت ندارد ؛ زیرا که خواننده با دیدن کلمه‌ی "مطالعات" در عنوان کتاب ، انتظار دارد یک بررسی انتقادی از رمان معاصر فارسی انجام شود، اما این انتظار در کتاب برآورده نشده است. همچنین این کتاب از عمق چندان بر خوردار نیست و مطالعه‌ی دقیقی محسوب نمی‌شود. هرچند ابراهیم الدسوقی شتا نخستین استاد عرب‌زبان در ادبیات فارسی و اولین مترجم و پژوهشگر رمان فارسی در جهان عرب است ، با این حال ، وی در کتاب خود بیش از اتکا بر معیارهای نقدی و علمی ، بر سلیقه‌ی شخصی تأکید کرده و در بررسی رمان‌ها نیز به جای انتقاد ، به روایت‌نگاری در مورد اثر پرداخته است. نقص دیگر کتاب این است که نویسنده به ویژه در زمینه‌ی نقد رمان معاصر توجه زیادی به منابع نقد ادبی فارسی نداشته و منابعی که از آن استفاده کرده ، از نظر کیفی و کمی ضعیف هستند". (زائری ، 2012 : 60) (Zairi, 2012 , p. 60)

شتا در این کتاب - همان طور که خودش اشاره کرده - تلاش کرده تا رمان‌های متنوعی دراز 80 سالی که از آغاز رمان معاصر فارسی تا زمان تألیف کتاب بوده را انتخاب کند و با انتخاب مکان‌های مختلفی مانند تهران، بوشهر و تنگستان ، تصویری از جو سیاسی ، اجتماعی ، مذهبی و مشکلات جامعه ایران را به خوانندگان عرب‌زبان ارائه دهد. و این کتاب ، اولین اثر مستقل در حوزه‌ی رمان معاصر فارسی به زبان عربی است ، و توانسته تا حدی خوانندگان عرب‌زبان را با فضای عموم رمان معاصر فارسی آشنا کند.

کتاب "قراءات في الرواية الإيرانية المعاصرة" نوشته سلیم عبدالأمیر حمدان ، نویسنده و مترجم عراقی ، از پژوهش دیگری است که در حوزه‌ی رمان فارسی صورت گرفته است. نویسنده در این کتاب که شامل 3 بخش و 9 فصل است ، با اشاره به سیر تاریخی رمان معاصر فارسی ،

خصوصیات این نوع ادبی در ایران، عوامل تأثیرگذار و نحوه‌ی شکل‌گیری آن ا بیان می‌کند. حمدان، رمان‌نویسان ایرانی را به سه نسل تقسیم می‌کند و با بررسی آثار هر نویسنده، شرح حال مختصری از آن نویسنده را نیز ذکر می‌کند. مؤلف بر اساس تقسیم‌بندی خود، نویسندگان نسل اول را بنیان‌گذاران و پیش‌گامان رمان معاصر فارسی نام برده و نویسندگانی مانند صادق هدایت و بزرگ علوی را در این گروه می‌گنجاند. وی در میان نویسندگان نسل دوم، هفت رمان‌نویس برجسته از جمله احمد محمود، هوشنگ گلشیری، رضا براهنی، غلامحسین ساعدی و جلال آل‌احمد را نام برده است. از نویسندگان نسل سوم نیز فقط به یک نویسنده یعنی امیرحسین چهل‌تن اشاره کرده و از سایر نویسندگان این نسل نام دیگری را ذکر نموده است. وی نویسندگان نسل سوم را "حلقه وصل" خواند ولی هیچ توضیحی در رابطه با دلایل این نامگذاری ارائه نکرد. (ر.ک؛ حمدان، 2007) (refer to, Hamdan, 2007)

به طور کلی، علی‌رغم تمامی تلاش‌های نویسندگان در این پژوهش، این کتاب هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوا بسیار ناقص است و نمی‌تواند تصویر روشنی از رمان معاصر فارسی را به مخاطبان عرب‌زبان ارائه کند.

مترجمین رمان‌های فارسی نیز، در مقدمه‌ی ترجمه‌های خود، علاوه بر پرداختن به شرح حال و آثار نویسندگان، به ادبیات معاصر فارسی به ویژه رمان اشاره می‌کردند که گاهی این مقدمه‌ها به 20 تا 30 صفحه می‌رسد. (ر.ک؛ هدایت، 1976) (refer to, Hidayat, 1976) بعضی از مترجمین در مقدمه‌ی ترجمه‌های خود به تحلیل شخصیت‌ها، اماکن، فضا و انتقاد شکل و مضمون کتاب پرداخته‌اند.

علاوه بر کتاب‌ها، پژوهش‌های پراکنده‌ای در مورد رمان معاصر فارسی در نشریات و در پایگاه‌های الکترونیکی انجام شده است که در این مقاله نمی‌توان به همه‌ی آن‌ها اشاره کرد و ما فقط چند نمونه از آن را ذکر می‌کنیم. از جمله‌ی این مقالات، می‌توان به "قراءات في خمس روايات إيرانية معاصرة" نوشته یوسف العقید اشاره کرد که در مجله‌ی "الکتب" منتشر شد. نویسندگان در این پژوهش، به نقد و بررسی سه رمان "ثریا در اغما"، "زمستان 62" و "داستان جاوید" از اسماعیل فصیح، "موریانه" اثر بزرگ علوی و "حوض سلطان" نوشته‌ی محسن مخملباف را می‌پردازد. (ر.ک؛ العقید، 2001) (refer to, Al-Aqeed, 2001)

یوسف عزیزی همچنین با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان "بذور العدا للرب والسامیه" و نشر آن در روزنامه‌ی زمان چاپ لندن، به تاریخ‌نگاری و تحلیل رمان معاصر فارسی پرداخت. (ر.ک؛ عزیزی، 2003) (refer to, Azizi, 2003) وی نیز مقاله‌ای کوتاه با عنوان "الروایة الفارسیة الولادة والنشأة" نوشت، که در آن پیشینه و چگونگی شکل‌گیری رمان مدرن فارسی را بحث و تحلیل قرار می‌دهد. (ر.ک؛ عزیزی، 2008) (refer to, Azizi, 2008)

بررسی مباحث جزئی‌تر در رمان فارسی، مسئله‌ی دیگری است که بعضی از ایران‌شناسان عرب به آن اهتمام ورزیده‌اند، مقاله‌ای از ندی حسون در مورد "زن در رمان معاصر فارسی" از برجسته‌ترین این مقالات به شمار می‌رود. تصویر زنان در رمان معاصر فارسی و زنان

رمان‌نویس از جمله مباحثی است که در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. (ر.ک ؛ حسون، 2009) (refer to, Hassoun, 2009)

نشریات دانشگاهی از جمله مجلات ادبی دانشگاه‌های مصر ، سوریه ، لبنان ، عراق ، ایران و سایر دانشگاه‌های عربی که در آن ادبیات فارسی تدریس می‌شود ، منبع دیگری هستند که می‌توان در آن ، ردپای رمان معاصر فارسی را جستجو کرد. پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز حوزه‌ی دیگری است که به نقد و تحلیل رمان فارسی پرداخته است. به عنوان مثال ، می‌توان به پایان‌نامه‌ی دکتر علی زائری اشاره کرد که در دانشگاه اردن با عنوان "تصویر غرب در رمان‌های عربی و ایرانی" تألیف و ارائه شده. در این پژوهش ، با انتخاب 10 رمان عربی و 10 رمان فارسی ، ضمن بررسی تطبیقی تصویر غرب در رمان‌های عربی و ایرانی ، یک مطالعه‌ی جدید در نقد فنی رمان‌های این دو زبان و مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر از نظر شکل و محتوا صورت گرفته است. (ر.ک ؛ زائری، 2012 : 61) (refer to, Zairi, 2012 , p. 61)

علاوه بر این پایان‌نامه ، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های دیگری نیز در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی نوشته شده است و نویسندگان به صورت جزئی ، مقایسه‌هایی میان رمان‌های فارسی و عربی انجام داده‌اند. رمان‌های جنگ ، یکی از دیگر تحقیقاتی است که ایران‌شناسان عرب به آن پرداخته‌اند ، "روایة الحرب الإيرانية بین الشكل والمضمون" نوشته‌ی ابراهیم حامد المغازی از جمله این تحقیقات است. (ر.ک؛ الدهنی، 2008 : 94 / 2) (refer to, Al-Dahni, 2008 , p.2/94)

2- نقدی کوتاه بر ترجمه‌ی رمان‌های معاصر فارسی به عربی

با وجود تمام تلاش‌هایی که در زمینه‌ی ترجمه‌ی رمان فارسی به زبان عربی انجام شده است ، علاوه بر مقدار این فعالیت‌ها ، انتقادهایی هم در مورد این ترجمه‌ها از نظر کیفیت انتخاب رمان وجود داشت. اولین نکته‌ای که باید در حوزه‌ی ترجمه‌ی رمان‌های معاصر فارسی به زبان عربی یاد شود ، "توجه مترجمان به رمان‌های دم‌دستی و معمولی و عدم توجه آن‌ها به رمان‌ها و نویسندگان برجسته‌ی این زمینه است. به عنوان مثال ، در میان رمان‌نویسان برجسته‌ی ایرانی که رمان‌های آنان به عربی ترجمه شده ، نام‌هایی مانند سیمین دانشور، صادق چوبک ، غلامحسین ساعدی و آثار بسیاری از نویسندگان بزرگ ایرانی ترجمه نشده است، این در حالی است که در میان رمان‌های ترجمه شده به عربی ، گاهی چند رمان از یک نویسنده ترجمه شده به عنوان مثال ، از اسماعیل فصیح 4 رمان و محمود دولت‌آبادی ، جلال آل‌احمد و هوشنگ گلشیری هر کدام 2 رمان به عربی ترجمه شده است. و یا رمان‌هایی از نویسندگانی که در قیاس با پیشگامان رمان معاصر فارسی از آوازه‌ی کمتری برخوردارند هستند به عربی ترجمه شده است. مثلاً ، در میان نویسندگانی که آثارشان از فارسی به عربی برگردانده شده ، نام‌هایی مانند محمدعلی بهزاد ، محمد طلوعی ، فتانه حاج سید جوادی ، مریم جعفری ، محمدرضا سرشار ، سیده زهرا حسینی و رضا امیر خوانی ، از شهرت کمتری نسبت به نویسندگان نسل اول همچون سیمین دانشور ، صادق چوبک ، غلامحسین ساعدی ، صمد بهرنگی ، تقی مدرسی ، رضا براهنی و دیگر نویسندگان شاخص ایران برخوردارند. در مورد علت انتخاب چنین رمان‌ها و

نادیده گرفتن رمان‌ها و نویسندگان شاخص، نمی‌توان پاسخ روشنی یافت اما به نظر می‌رسد که انتخاب رمان‌های ترجمه شده، بیشتر به سلیقه‌ی شخصی مترجمان بستگی دارد تا معیارهای علمی و ادبی". (زایری، 2012: 62) (Zairi, 2012, p. 62)

در بعضی از رمان‌ها، مترجمان اشاراتی به ویژگی‌های آن‌ها کرده‌اند که می‌توان برخی از دلایل انتخاب این دسته آثار را از لابلای مقدمه‌های آن یافت. به عنوان مثال، استاد یوسف عبدالفتاح فرج مترجم رمان "خریدار عشق" در مقدمه‌ی این کتاب، ضمن ستایش نویسنده، این رمان را نقد جامعه‌ی ایران و نهادهای حاکم بر کشور دانسته و وی معتقد است که نویسنده‌ی آن با سبکی منحصر به فرد، موفق به تحقق این اهداف شده است. (ر.ک؛ بهزاد راد، 2002: مقدمه) (refer to, Behzad Rad, 2002 : Introduction)

محمود سلامه علوی نیز در مقدمه‌ی ترجمه‌ی رمان "آتش بازی" می‌گوید: «این رمان را اثری موفق از یک نویسنده‌ی ایرانی دانسته که به خوبی از عهده‌ی تصویر حوادث، شخصیت‌ها، گفتگو، مسیر رمان، و انسجام عناصر آن برآمده است. وی همچنین، روان‌شناسی زبان، سادگی و پرهیز از پیچیدگی و نیز روح سرشار از رمانتیسیم قصه را از دیگر ویژگی‌های این رمان برشمرده است». (اسدی، 2002: مقدمه) (Asadi, 2002 : Introduction)

روشن است که در انتخاب بسیاری از رمان‌های ترجمه شده، ذائقه‌ی شخصی نویسنده مهم‌ترین نقش را داشته و معیارها و شاخصه‌های ادبی و انتقادی، تأثیرچندانی در انتخاب چنین آثار نداشته است.

از طرف دیگر می‌توان گفت که مترجمان عرب‌زبان در انتخاب رمان‌های فارسی - در کنار اعمال سلیقه‌های شخصی - بیشتر به رمان‌های اجتماعی توجه داشتند و به نظر می‌رسد که هدف اصلی آن‌ها ارائه تصویری از جامعه و ملت ایران به جهان عرب است؛ ولی متأسفانه انتخاب رمان‌ها در این زمینه موفقیت آمیز نبوده و تصویری که از جامعه ایرانی به مخاطبان عرب زبان ارائه می‌شود، کاملاً ناقص است. مسئله‌ی دیگر این است که بعضی از آثار نویسندگان رمان معاصر فارسی بیش از یک بار ترجمه شده، مثلاً رمان "بوف کور" اثر صادق هدایت و رمان "نون والقلم" اثر جلال آل احمد که هر کدام 2 بار ترجمه شده است. و این در حالی است که ترجمه‌ی دوم، هیچ برتری محسوسی نسبت به ترجمه‌ی اول ندارد و وجود آن کاملاً غیرضروری است.

علاوه بر موارد و مشکلات یاد شده، ترجمه‌ها از نظر فنی نیز دارای نقص هستند، از جمله مشکلات عمده در حوزه‌ی ترجمه‌ی رمان‌های معاصر فارسی، مسأله‌ی فهم نادرست معنای کلمات، اصطلاحات، عبارات و یا جملات است که منجر به تحریف دلالی، سبکی یا معنایی می‌شود. تحریف سبک، یکی از اشتباهاتی است که مترجمان رمان‌های فارسی به عربی مرتکب می‌شوند؛ در این حالت، مترجم با فهم نادرست خود از عبارت، تغییراتی در ماهیت و نوع آن ایجاد می‌کند که منجر به انحراف عبارت از مفهوم و معنای اصلی آن می‌شود. در بسیاری از موارد نیز مترجمان، با فهم نادرست از جملات، باعث تغییر کامل معنای آن و یا به اصطلاح،

مرتکب تحریف معنوی می‌شوند. علاوه بر حذف، افزودن کلمات غیر ضروری و یا استفاده از چند مترادف برای ترجمه‌ی واژه‌های فارسی به عربی است.

3- نقد و بررسی نمونه‌های برگزیده‌ای از ترجمه‌های محمد علاء‌الدین منصور به رمان‌های معاصر فارسی

محمد علاء‌الدین منصور، استاد زبان‌های شرقی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه قاهره بوده و تألیفات و ترجمه‌های بسیاری در زمینه‌ی ادبیات فارسی برجای گذاشته است. این استاد، سهمی در معرفی نویسندگان و شاعران ایرانی به دنیای عرب و ترجمه‌ی آثار فارسی در حوزه‌های مختلف شعر، داستان، رمان و تاریخ ادبیات فارسی سهم بسزایی داشت.

محمد علاء‌الدین منصور در سال 1380 ش / 2001 م با همکاری یوسف عبدالفتاح و عبداللطیف عبدالحمیم، کتابی در زمینه‌ی شعر معاصر ایران تحت عنوان "الشعر الإیرانی الحدیث: دراسة ومختارات" را در 117 صفحه نوشتند که توسط دار زویل للنشر در قاهره منتشر شد. (نصف آبادی و خویگانی، 1396: 126) (Najafabadi and Khoygani, 1396, p. 126)

در سال 1383 ش / 2004 م محمد علاء‌الدین منصور، زیر نظر جابر عصفور، دیوان امام خمینی (ره) را تحت عنوان "دیوان الإمام الخمینی" و در سه بخش غزل، رباعی و قصیده ترجمه کرد و سپس این اثر توسط انتشارات المجلس الأعلى للثقافة، ضمن "المشروع القومي للترجمة" (طرح ملی ترجمه) در 270 صفحه در قاهره منتشر شد. مترجم در مقدمه‌ی دیوان در مورد زندگی و آثار امام خمینی، ویژگی‌های شعر و اصطلاحات عرفانی در دیوان امام سخن گفته است. (رک؛ الامام الخمینی، 2004: مقدمه) (refer to, Imam Khomeini, 2004: Introduction)

یک سال بعد، در سال 1384 ش / 2005 م وی دوباره با همکاری جابر عصفور، کتاب "دیدار با شاعران"، نوشته علی اکبر دلفی را به نثر عربی برگرداند و بار دیگر انتشارات المجلس الأعلى للثقافة، این اثر را در 171 صفحه به منتشر کرد. در این کتاب، نمونه‌هایی از شعر فارسی در دوره‌ی پهلوی تا انقلاب اسلامی گردآوری شده و شعرهای برگزیده‌ای از شاعرانی مانند مهدی اخوان ثالث، عبدالعلی ادیب برومند، امیری فیروزکوهی، سیمین بهبهانی، فریدون توللی، ابوالقاسم حالت، پرویز ناتل خانلری، مهدی سهیلی، احمد شاملو، محمدحسین شهریار، سیاوش کسرای، مشفق کاشانی، فریدون مشیری، معین کرمانشاهی، مهرداد اوستا، جلال‌الدین همایی و برخی دیگر از شاعران ادب فارسی در نظر گرفته شده. مترجم، در مقدمه‌ی این کتاب در مورد ظهور شعر نیمایی و تجلی آن در آثار شاعرانی مانند شاملو، اخوان ثالث و فرخزاد به صورتی گذرا صحبت کرد. (رک؛ دلفی، 2005) (refer to, Delphi, 2005)

در همین سال، محمد علاء‌الدین منصور کتاب گنج سخن نوشته ذبیح الله صفا را که منتخبی از اشعار شاعران فارسی از دوران رودکی تا زمان ملک الشعرای بهار است، تحت عنوان "کنز

الشعر" ترجمه کرد. این اثر هم توسط مرکز القومي للترجمة در قاهره منتشر شد. (ر.ک ؛ صفا ، 2005) (refer to, Safa, 2005)

محمد علاء الدین منصور یکی از پرکارترین مترجمان در زمینه‌ی ترجمه‌ی ادبیات فارسی معاصر محسوب می‌شود. وی با همکاری محمود سلامه علاوی ، استاد زبان‌های شرقی در دانشگاه قاهره ، اشعار شفیع‌ی کدکنی را به کتابی تحت عنوان "شعر شفیع‌ی کدکنی" ترجمه کرد و ترجمه‌ی وی توسط دار الکتب المصریة در قاهره منتشر شد. این اثر که ویژگی‌های عصر شفیع‌ی کدکنی ، زندگی وی و نظرات منتقدان در مورد این شاعر معاصر را ارائه می‌دهد ، در دو بخش نوشته شده ؛ همچنین در این اثر ، گزیده‌هایی از اشعار این شاعر بررسی و تحلیل شده است.

کتاب "شعر امروز" ، نوشته ساعد باقری و محمدرضا محمدی که محمد علاء الدین منصور آن را تحت عنوان "الشعر الفارسی المعاصر" به عربی ترجمه کرد ، در همان سال با همکاری المشروع القومي للترجمة در قاهره ، در 379 صفحه منتشر شد. در این کتاب ، گزیده‌ای از اشعار شاعران انقلاب آمده است. (نجف آبادی و خویگانی ، 1396 : 127) (Najafabadi and Khoygani, 1396 , p. 127)

از ترجمه‌های دیگر محمد علاء الدین منصور می‌توان به ترجمه‌ی غزلیات سعدی شیرازی و ترجمه‌ی جلد سوم و چهارم تاریخ ادبیات ایران ، اثر ادوارد براون اشاره کرد و همچنین بیست اثر از ترجمه‌های ایشان در زمینه‌ی ادبیات فارسی را چاپ کرده است ؛ از جمله رمان‌های ثریا فی غیبوبة ، الأرضة ، شتاء 84 ، ورق العشق ، الخفافیش ، قصص أخرى من أفغانستان ، موت المرابي ، رق العشق وغيره.

3-1- نقد و بررسی نمونه‌های برگزیده‌ای از ترجمه‌ی رمان "موریانه" بزرگ علوی

- نگاهی به رمان "موریانه"

بزرگ علوی یکی از مشهورترین نویسندگان تاریخ ادبیات معاصر و از نمایندگان زبردست مکتب داستان‌نویسی جدید محسوب می‌شود که پیش از نیم قرن در صحنه‌ی ادبیات ایران مطرح بود. وی در این راه خدمات بزرگی به فرهنگ و ادب ایران ارائه داد و آثار ماندگار بسیاری نوشت.

"موریانه" را رمان یا داستانی بلند می‌دانند که در آن ، رویدادهای سال‌های آخر دهه 1330 تا چند روز پس از انقلاب اسلامی ایران از زبان یک مقام ساواک بیان می‌شود و در سال 1372 منتشر شد. بزرگ علوی در این کتاب حوادث آخرین سال‌های حکومت پهلوی را روایت می‌کند. این کتاب داستان تنها پسر یک خانواده‌ی ایرانی است که ناخواسته به سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) پیوست و مجبور به انجام کارهایی می‌شود که بازگشت از آن‌ها غیر ممکن است. بزرگ علوی در این کتاب ، علاوه بر روایت داستانی جالب انتقادی صریح به سازمان ساواک نیز ارائه می‌دهد. به همین دلیل است که نام "موریانه" برای این کتاب انتخاب شده است ، علوی

معتقد بود سازمان ساواک مانند موریانه که به جان چوب می‌افتد ، به جان مملکت افتاده است و سعی در تخریب کشور دارد. (ر.ک ؛ علوی ، 1381) (refer to, Alavi, 1381)

موریانه را اثری متفاوت از دیگر آثار بزرگ علوی می‌باشد. زیرا تقریباً هیچ توصیفی در این کتاب وجود ندارد اما محیط را برای مخاطبان خود به تصویر می‌کشد. رمان موریانه دارای دو ویژگی است :

1- شخصیت‌های آن شخصیت‌های واقعی هستند. نه به این معنا که چنین داستانی در واقع اتفاق افتاده است. بلکه این بدان معناست است که شخصیت‌ها کاملاً با شخصیت‌های ما یکی هستند ، آن‌ها ایرانی هستند ، برای ما به راحتی قابل درک هستند و برای ما ملموس هستند.

2- در این رمان در دوران خیالی سفر نمی‌کند. بلکه او در دورانی زندگی می‌کند که ایرانی‌ها با آن روبرو شده‌اند و در دورانی داستان‌پردازی می‌کند که آن‌ها را می‌شناسند. (میرعابدینی ، 1396: 88 - 89) (refer to, Mir Abedini, 1396, p.88-89)

شاید مخاطب بتواند با دانسته‌های قبلی خود و پیش زمینه‌های ذهنی‌ای که از دوران پهلوی دارد روند داستان را تشخیص دهد و یا پیش‌بینی کند اما جذابیت قلم علوی موجب می‌شود خواندن کتاب را ادامه دهیم تا آنجا که متوجه می‌شویم که تمام آنچه فکر می‌کرده‌ایم اشتباه بوده است.

وقتی برخی از آثار را می‌خوانید ، احساس می‌کنید که یک شخص سوم در حال مشاهده‌ی تمامی وقایع هستید و خود نیز در روند داستان قرار دارید و یا در آن تأثیر می‌گذارید. اما وقتی آثار بزرگ علوی را می‌خوانید ، احساس می‌کنید که راوی داستان داستان بسیار زیبا برای شما تعریف می‌کند. شما مقابل او می‌نشینید و به یک داستان گوش می‌دهید. (ر.ک ؛ دهباشی ، 1384: 93) (refer to, Dehbashi, 1384, p. 93)

موریانه اثری است که خود نویسنده در روند آن هیچ تأثیری ندارد. نویسنده هر زمانی که بخواهد کار را تمام می‌کند ، هر زمان که بخواهد شخصیت داستان را حذف می‌کند و هر زمان بخواهد روند داستان را تغییر می‌دهد. اما در موریانه این گونه نیست. در واقع تم اصلی داستان را نویسنده ارائه می‌دهد. شخصیت‌پردازی را توسط نویسنده تعیین می‌شود. جان بخشی به شخصیت‌ها را به نحوی فوق العاده انجام می‌دهد. داستان را آغاز می‌کند اما نمی‌تواند آن را کامل کند. زیرا خود داستان است که خود را ادامه می‌دهد. خود داستان که تعیین می‌کند که به کجا خواهد رسید. و خود راوی داستان است که آنچه را می‌خواهد تعریف می‌کند.

موریانه در واقع یک موجود ریزی است ریز که چوب را پوک و سست می‌کند. اما کتاب در مورد این موریانه نیست. موریانه در اینجا شخصیتی است که پایه‌های زندگی مردم ایران را پوک و سست می‌کند و حتی پایه‌های زندگی خودش هم سست می‌شود. موریانه در اینجا یک نمادی است. نماد ویران کردن و نویسنده به طرز ماهرانه ویرانی‌هایی را که در داستان رخ می‌دهد را به تصویر می‌کشد.

- متن برگزیده‌ای از رمان "موریانه".

"من مدتی در سازمان امنیت و اطلاعات کشور در اروپا کیا بیا داشته‌ام - از من مترسیدند و با من سایش داشتند و تا اداره‌ها با خیر شدم که شاهزادگان و درباریان و دولتمردان و سردمداران و ساواک‌ها کجا سرمایه‌هاشان را به کار می‌انداختند- با من مشورت می‌کردند که کدام سهام را بخرند و در کدام بانک پول‌هایشان را به حساب بگذارند با کدام سرمایه‌دار شریک شوند و جزئیاتی که از نزدیک‌ترین کسان حتی از زنان و فرزندان و شوهرهایشان پنهان نگاه می‌داشتند - یکی یکی آن‌ها را دستچین می‌کنم نشان‌هایشان را می‌دهم اسرارشان را فاش می‌کنم و جور خطاها و خیانت‌ها و شرارت‌ها و جنایت‌هایشان را به ثبوت می‌رسانم که جیک نمی‌توانند بزنند - البته گفتم که اسم‌شان را نمی‌آورم - خودشان هم می‌دانند که مقصود من کیست و چیست- دیگر لازم نیست پیش آن‌ها دستم دراز شود- خودشان سراغ مرا می‌گیرند و حق مرا می‌دهند و آبروی خودشان را حفظ می‌کنند - این لم من است - اگر خدای نکرده بعضشان رو سفت کردند و نخواستند بسلفند گوشه‌ای از آن را با اسم جعلی در یکی از روزنامه‌ها که حالا خوشبختانه مثل قارچ در اروپا و آمریکا از زمین می‌روید منتشر می‌کردم - اگر اسم آقا مثلاً باختری است من به اسم باختری نقل می‌کردم - گمان نمی‌کنم کسی آنقدر پاردم ساییده باشه که از رو نرود - تجربه‌ام این است که تا به حال دو سه آزمایش کرده‌ام و نتیجه گرفته‌ام و چیزیکی نصیبم شده است.

نخستین کسی که مرا متوجه کرد که به جز محیط دور بر عالم من دیگر هم هست یکی از خویشان دور مادرم بود به اسم موسی که من او را موسی جون می‌خواندم - از لحاظ ثروت و حیثیت با هم فرق زیاد داشتیم - من مادرم را ننه می‌نامیدم و او مادرش را خانم - با هم بزرگ شده بودیم - خانه ما در گذر کلانتر بود - دو سه کوچه خانه‌هایمان از هم فاصله داشت - در یک مدرسه بودیم - سه کلاس از من بالاتر بود - همبازی بودیم موسی جون باباش مرده بود و مادرش مالدار - حیاط بزرگی داشتند پر از درخت انار و سیب و گلابی و هلو با یک حوض بزرگ که می‌شد در آن شنا می‌کرد - در هشتخان‌شان اطاق‌های جوراجور داشتند پر از آینه قدی و چلچراغ و تا دل بخواد پر از نوکر و کلفت و باغبان - ما فقیر و بیچاره بودیم - پدرم را اصلاً با یاد ندارم - ما حیاط کوچکی داشتیم با یک حوض گرد که چندتا ماهی در آن وول می‌خوردند و من خواهرم رقیه هم‌ماش مواظب بودیم که گربه‌های همسایه به آن‌ها دستبرد نزنند - یک اتاق فنگلو زیر آن آب انبار و آشپزخانه این ور حوض بود و آن طرف اطاق بزرگتر که در آن می‌خوابیدیم و برای خودم با چند اره و تیشه و چوب مثلاً نجاری می‌کردم - البته در و صندوق‌ها را می‌شکستم تا می‌ساختم - من فقط در خانه موسی جون توانستیم بازس کنیم - در کلبه توسری خور ما جا برای بازی نبود".

(علوی ، 1381 : 8 - 9) (Alavi, 1381, pp. 8-9)

- ترجمه‌ی عربی محمد علاء الدین منصور.

"كان لي نفوذ وسلطة في جهاز السافاك في أوروبا. كانوا يهابونني و يدهونوني و كنت أعلم إلى حد ما أين يستنمر الأمراء و رجال البلاط و الحكومة و الأعيان و رجال السافاك أموالهم. كانوا يستشرونني أي سهم يشترون و في أي بنوك يودعون أروصدهم أو من الرأسمالي الذي يشاركونه و أعرف الدقائق التي كانوا يخفونها عن أقرب الناس إليهم حتى عن زوجاتهم و أولادهم. أنتقيهم واحداً

واحداً وأعلن مآربهم وأفشي أسرارهم وأثبت خطأهم وخياناتهم وشرورهم وجرائمهم إلى الحد الذي لا يمكنهم التقوّه بكلمة. قلت طبعاً إنني لن أذكر أسماءهم. هم أنفسهم جميعاً يعلمون من الذي أقصده وما الذي أرمي إليه ، وليس بالضرورة أن أمد يد التّطاول عليهم لأنهم سوف يبحثون عني وينيلونني جزائي ويحتفظون بكرامتهم ، وهذه هي طريقتي نفسها وفني فإذا توقّح بعضهم ولم يرد أن يركع لي لنشرت جانباً من أسراره تحت أسماء محرّفة في إحدى الصّحف التي تنبت اليوم لحسن الحظ كالفطر من الأرض في أوروبا وأمريكا ، فإذا كان اسم الواحد منهم مثلاً (باختري) ذكرته (بختري) ولا أعتقد أنّ أحداً منهم مطلق العنان بحيث لا يرضخ. هذه هي تجربتي التي خرجت بها بعد أكثر من اختبار حتّى اليوم و نلت منها شيئاً.

كان أول من لفت نظري إلى أنّ هناك عالماً آخر يخالف المحيط بي واحداً من الأقارب البعيدين لوالدتي واسمه موسى وأدعوه (موسى جون). كنّا نختلف كثيراً من حيث الثروة والمكانة كنت أنادي أمي بـ (التيّنة) ، وكان ينادي أمه بـ (الهانم) - نشأنا سوياً - كان منزلنا في (كرزكلانتر) ويبعد منزلنا عن منزله بزقاقين أو ثلاثة - كنّا في مدرسة واحدة - كان يسبقني بثلاث سنوات دراسية - كان موسى جون يتيم الأب وأمّه ثرية - كان لديهم حديقة واسعة تمتلئ بأشجار الرمان والتفاح والكمثري والخوخ وفيها حوض ماء كبير يمكن السباحة فيه - وكان منزلهم الرّحيب يحوي حجرات متنوّعة تمتلئ بالمرايا الكبيرة والنّجف وبالخدم والحشم والبساتين - وكنا نحن فقراء مساكين- فأبي أصلاً لا أتذكره - وكان لنا فناء صغير فيه حوض مستدير تتحرّك فيه بضع سمكات وكنت أنا وأختي رقيّة نحاذر كثيراً من أن تنشب قطط الجيران أظافرها فيها - كان لنا حجرة حقيرة وبجانها دورة المياه ثمّ المطبخ وكان الحوض على طرف منها وحجرة أكبر على طرفها الآخر كنّا ننام فيها وقمت أنا بصنع سرير لي مستخدماً المنشار والقذوم وبعض الخشب - وكنت أكسر الباب والصناديق لكي أصنعه - لم يكن بمقدورنا اللعب إلا في بيت موسى جون - لم يكن في كوخنا الضيق الحقيير موضع نلعب فيه".

(علوى ، 2000: 18-19) (Alavi, 2000, pp. 18-19)

- نقد و بررسی ترجمه‌ی عربی محمد علاء الدین منصور

- مترجم عبارت «سازمان امنیت و اطلاعات در اروپا» را «ساواک» ترجمه نموده است اما ساواک ، سازمان امنیت ایران در زمان شاه است ، در حالی که قهرمان به نفوذ خود در سازمان امنیت و اطلاعات در اروپا اشاره می‌کند ، این تحریفی معنایی به شمار می‌رود.

- مترجم «با من سازش داشتند» را «پداهنوننی» ترجمه کرده است در حالی که معنای آن «یتفاهمون معی» می‌باشد ، این تحریفی معنایی به شمار می‌رود.

- مترجم «با کدام سرمایه‌دار شریک شوند» را «من الرأسمالي الذي يشاركونه» ترجمه نموده است ، البته ترجمه معنی را رسانده است اما ترجمه دقیق‌تر «مع أيّ رأسمال یتشاکون» می‌باشد، زیرا کلمه‌ی «با» به معنای «مع» است و کلمه‌ی «کدام» به معنای «ای» می‌باشد و ضمیری جز ضمیر فاعلی به فعل «شریک شوند» متصل نشده است یعنی ضمیر مفعولی وجود ندارد که فعل را «یشارکونه» ترجمه کند. اینجا تحریفی سبکی و دو تحریف معنایی وجود دارد ، علاوه بر آن ترجمه تفسیری می‌باشد.

- واژه‌ی «شوهر هایشان» که معنای آن «أزواجهن» می‌باشد از متن حذف شده است.
- عبارت «نشانی‌هایشان را می‌دهم» که معنای آن «أعطی عناوینهم» است را حذف کرده است.
- واژه‌ی «جمیعاً» در متن اضافه است.
- واژه‌ی «تطاول» در متن اضافه است.
- مترجم عبارت «حق مرا می‌دهند» را «ینیلوننی جزائی» ترجمه کرده است در حالی که معنای آن «بعطوننی حقّی» می‌باشد. این تحریف معنایی بزرگی به شمار می‌رود.
- وی عبارت «دو سه آزمایش کرده‌ام» را «أكثر من اختیار» ترجمه نموده است در حالی که معنای آن «التي جرّبها مرتین او ثلاث» می‌باشد. این تحریفی است معنایی به علت تغییر معنای «دو» و «سه»، همچنین تغییری است سبکی به علت حذف فعل از جمله و جایگزینی اسم به جای آن.
- واژه‌ی «نفسها» و «فقی» در متن اضافه است.
- عبارت «اگر خدای نکرده» که معنای آن «إذا لا قدر الله» می‌باشد از متن حذف شده است.
- مترجم واژه‌ی «سلفند» را «یرکع» ترجمه نموده است در حالی که معنای آن «یدفع الدّین» می‌باشد. این تحریفی معنایی به شمار می‌رود.
- عبارت «جانبا من أسراه» در متن اضافه است.
- مترجم اصطلاح «اسم جعلی» را «أسماء محرّفة» ترجمه نموده است در حالی که معنای آن «اسم مستعار» می‌باشد. این تحریفی است معنایی به دلیل تغییر معنی واژه‌ی «جعلی»، همچنین تحریفی است سبکی به دلیل تبدیل مفرد به جمع.
- مترجم عبارت «آنقدر پاردم سابیده باشه» را «مطلق العنان» ترجمه نموده است در حالی که معنای آن «بهذا القدر من المكر و الاحتيال» می‌باشد. این تحریفی معنایی محسوب می‌شود.
- مترجم جمله‌ی زیر را از جمله‌ای که حاوی ساخت اضافی زیادی بود، به جمله‌ای حاوی جار و مجرور تبدیل کرد، بنابراین «یکی از خویشاوندان دور مادرم بود» را «كان واحداً من الاقارب البعیدین لأمی» ترجمه کرد، با این کار حرف اضافه را افزود و اسم بعد آن را مجرور قرار داد در صورتی که مضاف بود و عبارت «كان أحد اقارب أمی البعیدین» صحیح می‌باشد و این تحریفی سبکی محسوب می‌شود.
- مترجم واژه‌ی «جون» که معنای آن «العزیز ، الحبيب...» است را همانگونه که بود قرار داد و آن را ترجمه نکرد و معنای آن را نیز در پاورقی بیان نکرد بنابراین ابهام را بر نام «موسی» افزود.

- مترجم عبارت «همبازی بودیم» را «کنا نلعب سوياً» ترجمه کرده بنابراین واژه‌ی «همبازی» که معنای آن «رفیق لعب» می‌باشد را به فعل تبدیل کرده و به صورت «نلعب» آورده است. ترجمه دقیق‌تر آن «کنا رفیقی لعب» می‌باشد. این تحریفی سبکی و معنایی به شمار می‌رود.

- مترجم عبارت «باباش مرده بود» را «یتیم الاب» ترجمه نموده است، در حالی که معنای آن «والده قد مات» می‌باشد. این تحریفی است معنایی که علتش گرایش مترجم به ترجمه تفسیری می‌باشد.

- وی «هلو» را «خوخ» ترجمه کرده است، درحالی که معنای آن «الذراق» می‌باشد. این تحریفی معنایی به شمار می‌رود.

- واژه‌ی «ماء» در متن اضافه است.

- وی واژه‌ی «هشتی» را «رحیب» ترجمه کرده است، در حالی که معنای آن «ساحة ثمانیه الأضلاع» می‌باشد. این تحریفی معنایی محسوب می‌شود.

- مترجم واژه‌ی «کلفت» را «حشم» ترجمه نموده، در حالی که معنای آن «خادمه» می‌باشد. این تحریفی معنایی به شمار می‌رود.

- وی واژه‌ی «باغبان» را «بستان» ترجمه کرده است، در حالی که معنای آن «بستانی» می‌باشد. این تحریفی است معنایی و شاید خطای تایپی باشد.

- مترجم واژه‌ی «مواظب» را «ثحاذر» ترجمه نموده است، در حالی که معنای آن «حریصین» می‌باشد، بنابراین وی مفهوم را منحرف کرده و اسم را به فعل تبدیل کرده است. این تحریفی معنایی و سبکی به شمار می‌رود.

- وی فعل «نزنند» را «تنشبا أظافرها» ترجمه کرده است، در حالی که معنای آن «لا تسرفها» می‌باشد. این تحریفی معنایی به شمار می‌رود.

3-2- نقد و بررسی نمونه‌های برگزیده‌ای از ترجمه‌ی رمان "زمستان 62" اسماعیل فصیح

- نگاهی به رمان "زمستان 62"

اسماعیل فصیح رمان‌نویس و مترجم ایرانی است که آثارش از پرخواننده‌ترین رمان‌های ایرانی در دهه‌های 60 و 70 محسوب می‌شود. رمان‌های او "ثریا در اغما" و "زمستان 62" از مهم‌ترین آثار داستانی فارسی معاصر به شمار می‌آیند.

آثار فصیح همواره مورد توجه و استقبال مردم به ویژه جوانان قرار گرفته است. وی در جذب مخاطب عام و خاص موفق شده بود و نخستین نویسنده‌ی ایرانی بود که زندگی طبقه‌ی متوسط را در رمان‌های فارسی وارد کرد و همچنین نخستین نویسنده‌ی بود که در یکی از رمان‌های خود به

نام "زمستان 62" به جنگ عراق و ایران پرداخت. و این رمان به عنوان یک اثر برجسته در ادبیات جنگ به زبان فارسی در نظر گرفته شده است.

اسماعیل فصیح ، رمان و داستان‌نویس معاصر ایرانی ، به عنوان یکی از پرکارترین نویسندگان پس از انقلاب شناخته می‌شود. رمان‌ها و داستان‌های وی غالباً بافتی زنجیره‌ای و به هم پیوسته دارند که در هر یک از آن‌ها داستان یکی از افراد خانواده‌ی «آریان» روایت می‌شود. فصیح در بعضی از رمان‌ها ، سرگذشت قهرمانان داستان را همراه با تأثیرپذیری از وقایعی که در جامعه اتفاق می‌افتد و به نوعی در زندگی قهرمانان نقش دارد، به تصویر می‌کشد. یکی از دلایل رواج این سبک در داستان‌های وی ، وضعیت جامعه که خود نویسنده در آن زندگی کرده است و تلاش می‌کند تا پیامدهای آن را در آثار خود منعکس کند. جنبه‌ی دیگری که می‌توان در شمار فعالیت‌های ادبی فصیح به حساب آورد ، ترجمه‌های متعدد اوست که در سال‌های اخیر منتشر شده است. (پویان و جعفری ، 1391: 134-135) (Pouyan and Jafari, 1391, pp. 134-135)

نویسنده در رمان "زمستان 62" جامعه‌ای را توصیف می‌کند که در آن فشارها و تنش‌های حاصل از جنگ تحمیلی بر مردم وارد می‌شود. زمان داستان مربوط به وقایع 3 ماه زمستان سال 62 است. مکان کلی وقایع در جنوب ایران به ویژه اهواز است. راوی با فضای داستان به عنوان یک صحنه‌ی تئاتر برخورد می‌کند ، تلاش کرده خارج از صحنه چیزی را نگوید. توصیف صحنه‌های داستان در مواردی بسیار قوی و تأثیرگذار است نویسنده به طور کلی اصرار دارد مکان‌هایی ناآشنا را به خواننده نشان دهد و فضا را به گونه‌ای تصویر می‌کند که خواننده می‌تواند تمام آن را در ذهن خود ببیند.

"روند کلی رمان به صورت گفتگو است و شخصیت‌های داستان را از دل همین گفتگو معرفی می‌کند که البته گاهی همین گفتگوهای طولانی رمان را کمی خسته کننده شود. فضای داستان علی‌رغم زبان طنزآمیز راوی مملو از تاریکی ، صدای گلوله‌ها و شیون و مرگ است. با توجه به این که نویسنده خود تأکید دارد در تمام داستان را پس از اتفاقاتی که افتاده نوشته و زاویه دید و پنهان نگه‌داشتن توطئه ، این سبک را تقویت می‌کند". (أجاکیانوس ، 1386: 67) (Ojakianos, 1386, p. 67)

خلاصه‌ی رمان ، "در دی ماه 1362 جلال آریان ، استاد بازنشسته دانشکده‌ی نفت آبادان ، به طور اتفاقی به همراه فرجام ، متخصص کامپیوتر از آمریکا به اهواز سفر کرد تا ادريس پسر بسیجی مستخدمش را که در خلال جنگ مفقود شده است ، پیدا کند. و سپس با دکتر فرجام جوان که می‌خواهد مرکز کامپیوتری را برای شرکت نفت راه‌اندازی کند ، بیشتر آشنا شود. دکتر فرجام بعد از مدت کوتاهی با مقررات دست و پاگیر اداری وعدم نظم در کارهای شرکت نفت درگیر شده ، از کار دلسرد می‌شود. سرانجام برای نجات دادن سربازی که چشمان نامزدش شبیه چشمان مرده اوست ، به جای او به خط مقدم جبهه رفته و شهید می‌شود ؛ تا سرباز بتواند با کارت او به همراه نامزدش به خارج از کشور سفر کند. جلال آریان نیز مجبور شد با مریم جزایری ازدواج کند تا او را از دست مردی مذهبی و بی‌رحم به نام ابو غالب نجات دهد. بالاخره ، ادريس که اکنون معلول شده ، پیدا کرد ، با او به تهران برمی‌گردد. در پایان جلال آریان با خود فکر می‌کند

که چرا باید به همراه منصور فرجام متخصص کامپیوتر به اهواز می‌رفت و اکنون با ادريس ، سیگار فروش معلول بازگردد؟" (حنيف ، 1386 : 276) (Hanif, 1386, p. 276)

اسماعیل فصیح بدون اغراق یکی از نخستین نویسندگانی بود که به موضوع جنگ ایران و عراق پرداخت و رمان "زمستان 62" وی این جنگ را توصیف می‌کند. این رمان یکی از شاهکارهای ادبیات جنگ به زبان فارسی به شمار می‌آید. به طور کلی رمان "زمستان 62" یکی از موفق‌ترین رمان‌های معاصر فارسی در زمینه‌ی جنگ است که بر اساس واقعیت‌های جامعه جنگ‌زده آن زمان نوشته شده و با خواندن آن روزها و خاطره‌های سپری شده در ذهن خواننده تداعی می‌شود.

- متن برگزیده‌ای از رمان "زمستان 62"

"تنگ غروب است خنک ، اوایل دی ماه 62 کنار رود کارون در اهواز ، و ما دو تا خسته و تنها ، گوش میدان شهدا ایستاده‌ایم - در پایان سفر دراز و تمام روز از تهران به قم و آراک و بروجرد و خرم‌آباد و اندیشمک و دست آخر اهواز ، و من از پیچ جلو پاسگاه سر جاده قدیم خرمشهر انداخته‌ام تو جاده پشت نیوسایت - در تاریکی از خرم کوشک زده‌ام تو بیست و چهار متری و بالاخره گوش میدان مجسمه نگه داشته‌ام که اسمش شده میدان شهدا ، با پرچم و پوسترهای بالای پای سنگی خالی میدان ، که روزی مجسمه عظیم شاهنشاه آریامهر روشن بود و حالا دورش را آرام پارچه اوساد «یا مهدی عجل علی ظهورك» - کشیده‌اند هر دو از ماشین آمده‌ایم بیرون که خستگی پاها را در کنیم - موتور هم بد جورداغ کرده - برق شهر هم رفته ، یا آن را به خاطر حمله هوایی قطع کرده‌اند ، و ما داریم تصمیم می‌گیریم چه جوری از هم جدا شویم - نمی‌خواهم او را با سه چهار تا چمدان و ساک وسط میدان تاریک ول کنم تا با تاکسی برود.

منظر شب امشب سوت و کور است ، و توی ذوق می‌زند - نیش این گوشه میدان ، که روزگاری بانک ملی ایران و فروشگاه مطبوعات بین المللی بود ، و اوایل جنگ توپ خورد و خراب شده بود ، هنوز به صورت تلی از خاک و خلتشاک و آوار باقی مانده - یک گریه سیاه بالای تل خاشاک و آوار نشسته ، وانگار نمی‌داند چکار کند - از جایی که ما ایستاده‌ایم پل ملوم نیست ، و بجز حرکت گهگاه ماشین و تاکسی و اتوبوس و آمبولانس تو میدان ، نه صدای موج از لب کارون می‌آید ، نه آوای مرغ شب ، و نه حتی صدای قورقور قورباغه‌ای ، این اولین سفر دکنر منصور فرجام پس از دوازده سال به اهواز است ، و من کم کم دارم فکر می‌کنم با دیدن شهر سوت و کور و بی برق و خیابان‌های سر شب دلمرده ، او هم از لا بد دارد مثل یک توریست دانشمند خارجی بیپ به دست دو تا نقش شهر اهوازش را بررسی می‌کند". (فصیح ، 1382 : 4-3) (Fasih, 1382, pp. 3-4)

- ترجمه‌ی عربی محمد علاء الدین منصور

"في ضيق غروب بارد لأحد الأيام أوائل عام 1984م على شاطئ نهر كارون في الأهواز وكلانا منهنك وحيد ، وقفنا بركن من ميدان الشهداء - في آخر رحلة طويلة استغرقت النهار كله من طهران إلى قم ، أراك ثم بروجرد فخرم آباد ثم انديشمك و في النهاية الأهواز ... تحركت من منعطف أمام

نقطة الحراسة القديمة بأول طريق «خرمشهر» إلى داخل الطريق من خلف شارع «نيوسايت» - قُدت في جنح الظلام من خرّمكوشك في شارع بعرض أربعة و عشرين متراً ثم توقفت في النهاية بركن من ميدان التمثال الذي تحوّل اسمه إلى ميدان الشهداء حيث يرفرف العلم و تعلقّ المصفاة بأعلى قاعدة حجرية خالية في الميدان كانت في أحد الأيام مستقرّاً للتمثال العظيم للشاهنشاه آريامهر أما الآن فقد أحيطت بلافته قماشية بسيطة كُتب عليها «يا مهدي ... عجل على ظهورك» ترجلنا من السيارة ومشينا لنحرك أقدامنا ، كما أن محرك السيارة قد أصابته سخونة بدرجة سيئة - كانت الكهرباء بالمدينة مقطوعة كذلك ، أو أنهم قطعوها بسبب احتمال حدوث غارة جوية ، و نحن بصدد أن نقرر كيف يفترق واحدنا عن الآخر - لا أحب أن أتركه وسط الميدان المظلم و معه عدد من حقائب الملابس و حقيبة يد حتى يكمل رحلته بسيارة.

كانت المدينة هذه الليلة يُلْفها صمت رهيب ، و تثير اليأس في النفوس ، ناصية هذا الركن من الميدان التي كانت يوماً أرض البنك الوطني الإيراني و مكتبة الجرائد الدولية ، و قُصفا بالمداغ في أوائل الحرب و دُمّرا تماماً لا تزال قائمة في صورة تلّ من التراب و القمامة و الانقاض ، قبعت قطة سوداء بأعلى تلّ التراب و الانقاض كأنها لا تدري ماذا تفعل.

الكوبري لا يبدو لنا من المكان الذي وقفنا فيه ولا نسمع غير أصوات السيّارات من حين لآخر و التاكسيات و الحافلات و عربات الإسعاف داخل الميدان ، لا نسمع صوتاً لموجة آتياً من شاطئ نهر كارون ولا صوتاً لطائر ليل ولا حتّى نقيق ضفدعة ، كانت هذه الرحلة أوّل سفر للدكتور «منصور فرجام» إلى الأهواز بعد اثنتي عشرة سنة ، وأنا أخذت تراودني فكرة على مهل ، أنه لا بدّ أنّ شوقه إلى طهران وسعادتها أخذاً بلّبه حين رأى صمت المدينة المطبق و انقطاع أنوارها وموت شوارعها بأول الليل ، لكنّه كان يدرس خريطين للأهواز على ضوء النور بداخل السيّارة كسائح عالم أجنبي وهو يمسك غليونه". (فصيح ، 2000 ، 8 - 9) (Fasih, 2000, pp. 8-9)

- نقد و بررسی ترجمه‌ی عربی محمد علاء الدین منصور

- ترجم واژه «تنگ» را «ضیق»، که یکی از معنای آن است ترجمه نموده ، اما با توجه به بافت باید از واژه «قُبیل» استفاده می‌کرد تا بر عبارت تنگ غروب اشاره کند «قُبیل الغروب» ، بنابراین واژه «ضیق» که مترجم از آن استفاده نموده مناسب نیست و باعث ایجاد ابهام در عبارت شده ، زیرا عبارت «في ضيق الغروب» فاقد معناست ، بنابراین تحریفی است معنایی که باعث ابهام در معنی شده.

- عبارت «أحد الايام» توضیح اضافی در متن می‌باشد.

- وی «انداخته‌ام» را «تحرکت» ترجمه نموده است در حالی که معنای آن «أشقُ طريقي» می‌باشد و زمان آن حال است نه گذشته. این تحریفی معنایی و سبکی به شمار می‌رود.

- واژه «پاسگاه» معنای آن «نقطه حراسة» نمی‌باشد بلکه «مخفر الشرطة» است. این تحریفی معنایی محسوب می‌شود.

- مترجم واژه‌ی «قدیمه» را صفت «مخفر» قرار داده است ، با اینکه واژه‌ی «قدیمه» پس از «الطریق» آمده است ، بنابراین صفت «قدیمه» صفتی برای «الطریق» می‌باشد. این تحریفی معنایی به شمار می‌رود.

- وی فعل «زده‌ام» را «قُدت» ترجمه کرده است ، در حالی که معنای آن «أعبر» می‌باشد. همچنین زمان آن را به گذشته تبدیل کرده ، در صورتی که زمان فعل حال می‌باشد. این تحریفی معنایی و سبکی به شمار می‌رود.

- واژه‌ی «جُنح» در متن اضافی است.

- عبارت «حیث یُرفرف» در متن اضافی است.

- دو واژه‌ی «علم» و «مُلصقات» در متن اصلی به صورت نکره آمده‌اند ، در صورتی که مترجم آن‌ها را معرفه قرار داده و این تحریفی سبکی محسوب می‌شود.

- واژه‌ی «مستقر» توضیح اضافی در متن می‌باشد.

- وی واژه‌ی «روشن» که معنای آن «مضاء» می‌باشد را حذف نموده است.

- مترجم واژه‌ی «شاهنشاه» که معنای آن «مَلِك الملوک» می‌باشد را ترجمه نکرده است ، و آن را همانگونه قرار داده ، احتمالاً وی گمان کرده که این واژه‌ی معروف و قابل فهم می‌باشد.

- وی واژه‌ی «دورش» را «احیطت» ترجمه نموده است ، در حالی که معنای آن «حولها» می‌باشد ، همچنین که اسم است نه فعل. این تحریفی معنایی و سبکی به شمار می‌رود.

- وی عبارت «یا مهدی عَجَل علی ظهورك» را همانگونه آورده و توجهی به خطای زبانی وارد بر آن نکرده است ، در حالی که فعل «عَجَل» یا خودش متعدی می‌باشد و مفعول به و منصوب واقع می‌شود یا با یکی از حروف اضافه «ب» یا «فی» متعدی واقع می‌گردد نه حرف اضافه «علی».

- فعل «مشینا» در متن اضافه است.

- وی واژه‌ی «در کنیم» را «تحرک» ترجمه نموده است، در حالی که معنای آن «ندفع ، نُبعد» می‌باشد. این تحریفی سبکی به شمار می‌رود.

- مترجم واژه‌ی «هم» را «کما أن» ترجمه نموده است، در حالی که معنای آن «كذلك» یا «أیضاً» می‌باشد. این تحریف سبکی دیگری محسوب می‌شود.

- مترجم فعل «داغ کرده» را «أصابته سخونه» ترجمه کرده است، در حالی که معنای آن «ارتفعت حرارت» می‌باشد. این تحریفی معنایی است.

- واژه‌ی «قطع کرده‌اند» اسم مفعول نیست که «مقطوعه» ترجمه شود ، بلکه فعلی در زمان گذشته‌ی نقلی می‌باشد و معنای آن «کانت قد انقطعت» می‌باشد. بنابراین ترجمه‌ی آن به صورت اسم ، تحریفی سبکی به شمار می‌رود.

- عبارت «واحدنا عن الآخر» توضیح اضافی در متن می‌باشد.

- معنی فعل «نمی‌خواهم» «لا أحب» نیست بلکه «لا أريد» است. این تحریفی معنایی محسوب می‌شود.

- نویسنده تعداد کیف‌هایی که یکی از شخصیت‌ها همراه داشت را ذکر کرد و گفت : «سه چهار تا چمدان» ، در حالی که مترجم تعداد آن‌ها را ذکر نکرد و این گونه آورد : «معه عددٌ من الحقائب». این ترجمه‌ای تفسیری و تحریفی معنایی به شمار می‌رود.

- وی واژه‌ی «ساک» را «حقیبه» ترجمه نموده است ، در حالی که در این جمله معنای آن «کیس» می‌باشد. این تحریفی معنایی محسوب می‌شود.

- مترجم فعل «برود» را «یکمّل رحلته» ترجمه کرده ، در حالی که معنای آن «بیزهد» می‌باشد. این نیز تحریفی معنایی به شمار می‌رود.

- وی عبارت «وسط میدان تاریک» که معنای آن «وسط الساحة المظلمة» می‌باشد را حذف نموده است.

- مترجم اصطلاح «سوت و کور» را «صمت رهیب» ترجمه نموده است ، در حالی که معنای آن «دون آذنی صوت» می‌باشد. بنابراین ترجمه تفسیری محسوب می‌شود.

- وی عبارت «توی ذوق می‌زند» را «تثیر الیأس فی النفوس» ترجمه کرده است ، در حالی که معنای اصطلاح «توی ذوق» «یبیعث علی الإشمزاز» می‌باشد ، سپس «فی النفوس» را اضافه کرد. تفاوت این دو مشهود است. این تحریفی معنایی و افزودن توجیه ناپذیر در متن به شمار می‌رود.

- مترجم از واژه‌ی «ناصیه» برای ترجمه‌ی واژه‌ی «گوشه» استفاده کرده ، در حالی که معنای آن «زاویه ، رکن» می‌باشد ، و معنی واژه‌ی «ناصیه» در زبان عربی «مقدمة الرأس» است. بنابراین مترجم از این واژه برای بیان معنای «زاویه» استفاده کرده که اشتباه محسوب می‌شود زیرا این واژه در زبان عامیانه‌ی مصری به معنی «زاویه ، رکن» است. این تحریفی معنایی و خطایی زبانی به شمار می‌رود.

- واژه‌ی «أرض» در متن اضافی است.

- وی واژه‌ی «فروشگاه» را «مکتبه» ترجمه کرده است ، در حالی که معنای آن «متجر ، محل ، دکان» می‌باشد. این تحریفی معنایی محسوب می‌شود.

- مترجم واژه‌ی «نشسته است» را «قبعت» ترجمه نموده است ، در حالی که معنای آن «قد جلست» می‌باشد. این تحریفی معنایی است.

- وی واژه‌ی «مثلنا» را از عبارت «كأنها مثلنا لا تعرف ماذا تفعل؟» حذف کرده است.

- مترجم واژه‌ی «پل» که معنای آن «جسر» می‌باشد را «کوبری» که در عامیانه‌ی مصری همان معنا را می‌دهد ، ترجمه نموده است ، اما مترجم آن را در عبارتی قرار داده که نویسنده به زبان نوشتاری آورده است . این تحریفی سبکی به شمار می‌رود و شامل خطای زبانی است.

- جمله‌ی «پل معلوم نیست» جمله اسمی می‌باشد ، اما مترجم آن را به صورت جمله‌ی فعلی ترجمه نموده است. این تحریفی سبکی به شمار می‌رود.

- مترجم واژه‌ی «کم کم» را «علی مهل» ترجمه نموده ، در حالی که معنای آن «رویداً رویداً» می‌باشد. این تحریفی معنایی محسوب می‌شود.

- واژه‌ی «سعادت‌ها» در متن اضافی توجیه ناپذیر است.

- وی ضمیر پیوسته‌ی منسوب به دکتر (منصور فرجام) که محمول دو نقشه است را نادیده گرفته ، بنابراین آن را «الخریطین» ترجمه کرده ، نه «خریطته». این تحریفی سبکی و معنایی به شمار می‌رود.

- مترجم «اما او» را «لکنه» ترجمه کرده است ، در صورتی که معنای آن «أما هو» می‌باشد. این تحریفی معنایی است.

- نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش عبارت است از :

- رمان‌های معاصر ایرانی مورد اقبال مترجمان عرب‌زبان قرار گرفته است. و مترجمان عرب بسیاری از رمان‌های نویسندگان مشهور ایرانی را ترجمه کردند که از طریق آن‌ها تصویر جامعه ایران را به جهان عرب منتقل می‌کردند.

- در کنار ترجمه‌هایی که از رمان‌های فارسی به زبان عربی منتشر شده ، برخی ایران‌شناسان و اساتیدی که در زمینه‌ی ادبیات فارسی فعالیت دارند ، به تألیف و ترجمه درباره‌ی رمان معاصر فارسی نیز پرداخته‌اند.

- بسیاری از مترجمان رمان‌های دمدستی و معمولی را ترجمه کرده و بسیاری از رمان‌های نویسندگان مشهور را نادیده گرفته‌اند. و روشن است که در انتخاب تعداد زیادی از رمان‌های ترجمه شده ، سلیقه‌ی شخصی نویسنده بیشترین نقش را داشته و معیارها و شاخصه‌های ادبی و نقدی ، چندان تأثیری در انتخاب چنین آثاری نداشته است.

- از لحاظ فنی نیز ترجمه‌های صورت گرفته با نواقصی همراه است ، از جمله : مسأله‌ی فهم نادرست معانی کلمات ، اصطلاحات ، عبارات و یا جملات است که منجر به تحریف دلالتی ، سبکی یا معنایی می‌شود. علاوه بر حذف ، افزودن کلمات بی‌ضرورت و یا استفاده از چند مترادف برای ترجمه به عربی است.

- در مورد ترجمه‌ی محمد علاء الدین منصور از دو رمان "موریانه" و "زمستان" ، متأسفانه متن ترجمه اندکی از کوتاهی در ساختار معنای متن و اشتباهاتی دارد که در نتیجه خواننده‌ی متن را به سردرگمی وا می‌دارد ، به دلیل اینکه هماهنگی در معانی واژه‌های متن اصلی در متن ترجمه از دست رفته است.

- مترجم از واژه‌های عربی که در زبان فارسی استفاده شده است ، در ترجمه‌ی خود به زبان عربی استفاده کرده است که مفهوم آن‌ها در زبان عربی چیزی دیگر است.

- ناشناخت بودن دلالت‌های دقیق برخی از واژه‌ها و اصطلاحات فارسی برای مترجم ، یا غیر مفهوم بودن ساختار نحوی ، همبستگی جملات و لهجه‌ی محلی زبان فارسی که در گفتگوهای رمان آمده ، مترجم را وادار به اشتباهات بزرگی کند.

منابع

- أجاكيانوس ، اناهيدي (1386) ، نقد مجموعه‌ی آثار فصیح ، تهران ، فرهنگستان زبان وادب.
- اسدی ، اشرف (2002م) ، اللعب بالنار ، ترجمة محمود سلامة علاوي ، القاهرة ، الهيئة المصرية للكتاب.
- الامام الخميني (2004م) ، ديوان الامام الخميني ، ترجمة محمد علاء الدين منصور ، القاهرة : المجلس الأعلى للثقافة.
- بهزاد راد ، محمدعلی (2002م) ، مشتري العشق ، ترجمة يوسف عبدالفتاح فرج ، القاهرة ، الهيئة المصرية للكتاب.
- حسون ، ندى (2009م) ، المرأة في الرواية الإيرانية المعاصرة ، مجلة الحوار المتمدن ، العدد 2761.
- حمدان ، عبد الأمير (2007م) ، قراءات في الرواية الإيرانية المعاصرة ، دمشق ، وزارة الثقافة ، الهيئة العامة السورية للكتاب.
- حنيف ، محمد (1386) ، جنگ از سه دیدگاه (نقد و بررسی 20 رمان و داستان بلند جنگ) ، تهران ، انتشارات صریح.
- دلفی ، علی اکبر (2005م) ، لقاء بالشعراء ، ترجمة محمد علاء الدين منصور ، القاهرة : المجلس الأعلى للثقافة.
- دهباشی ، علی ، (1384) ، یاد بزرگ علوی ، تهران ، نشر ثالث.

- الدهنى ، نسرين (2008م) ، استقبال الأدب الفارسي المعاصر في الوطن العربي ، ج 2 ، بيروت ، مركز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامى.
- زائرى ، على (2012م) ، جاىگاه رمان معاصر فارسى در جهان عرب، ايران نامه، سال 27، شماره 2 و 3.
- شتا ، ابراهيم الدسوقى (1986م) ، مطالعات فى الرواية الفارسية المعاصرة ، القاهرة ، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- صفا ، ذبيح الله (2005م) ، كنز الشعر ، ترجمة محمد علاء الدين منصور ، القاهرة : المجلس الأعلى للثقافة.
- عزيزى ، يوسف (2003م) ، بذور العداء للعرب والسامية ، صحيفة الزمان ، العدد 1587.
- عزيزى ، يوسف (2008م) ، الرواية الفارسية الولادة والنشأة ، صحيفة العرب القطرية.
- العقيد ، يوسف (2001م) ، قراءات في خمس روايات ايرانية معاصرة ، مجلة الكتب ، العدد 30 ، السنة 3.
- علوى ، بزرگ (1381) ، موريانه ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات نگاه.
- علوى ، بزرگ (2000م) ، الأرضة ، ترجمة محمد علاء الدين منصور ، ط1 ، القاهرة ، المشروع القومي للترجمة ، المجلس الأعلى للثقافة.
- فصيح ، اسماعيل (1382) ، زمستان 62 ، چاپ سوم ، تهران ، نشر پيگان.
- فصيح ، اسماعيل (2000م) ، شتاء 84 ، ترجمة محمد علاء الدين منصور ، ط1 ، القاهرة ، المشروع القومي للترجمة ، المجلس الأعلى للثقافة.
- پويان ، مجيد و رحيمه جعفرى (1396) ، بررسى کارکرد گفت وگو در آثار اسماعيل فصيح ، فصلنامهى ادبيات داستانى ، دانشكدهى ادبيات و علوم انسانى دانشگاه رازى ، دوره 5 ، شماره 1 اول.
- ميرعابدینی ، حسن (1396) ، پيشه ى دربه درى بزرگ علوى ، تهران ، انتشارات چشمه.
- نجف آبادى ، سميہ کاظمی و محمد رحيمي خويگانی (1396) ، بازتاب ترجمه ى شعر معاصر فارسى در جهان عرب ، فصلنامه ى علمى - پژوهشى پژوهش ى ادبيات تطبيقى ، دوره 5 ، شماره 1.
- هدايت ، صادق (1976م) ، البومة العمياء ، ترجمة إبراهيم الدسوقي شتا ، مراجعة محمد رشاد إسماعيلي زاده ، القاهرة ، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

References

Alavi, Bozorg (1381 A.H), Termite, second edition, Tehran, Negah Publications.

Alavi, Bozorg (2000 A.D), Termite , translated by Muhammad Alauddin Mansur, 1st Edition, Cairo, The National Project for Translation, the Supreme Council of Culture.

Al-Aqeed, Yousuf (2001 A.D), Readings in Five Contemporary Iranian Novels, Al-Kutub Magazine, Issue 30, Year 3.

Asadi, Ashraf (2002 A.D), Playing with Fire, translated by Mahmoud Salamah Allawi, Cairo, Egyptian Book Authority.

Azizi, Yousuf (2003 A.D), Seeds of Hostility to Arabs and Semites, Al-Zaman Newspaper, Issue 1587.

Azizi, Yousuf (2008 A.D), The Persian Novel, Birth and Growing Up, Al-Arab Qatari Newspaper.

Behzad Rad, Muhammad Ali (2002 A.D), Buyer of Love, translated by Yousuf Abdel Fattah Faraj, Cairo, Egyptian Book Authority.

Al-Dahni, Nisreen (2008 A.D), Receiving Contemporary Persian Literature in the Arab World, Part 2, Beirut, Civilization Center for the Development of Islamic Thought.

Dehbashi, Ali, (1384 A.H), The Great Memory of Alavi, Tehran, Thalith Publications.

Delphi, Ali Akbar (2005 A.D), a meeting with the poets, translated by Muhammad Alauddin Mansour, Cairo: The Supreme Council of Culture.

Fasih, Ismail (1382 A.H), Winter 84, third edition, Tehran, Peygan Publications.

Fasih, Ismail (2000 A.D), Winter 84, translated by Muhammad Alauddin Mansour, 1st Edition, Cairo, The National Project for Translation, the Supreme Council of Culture.

Hamdan, Abdulamir (2007 A.D), Readings in the Contemporary Iranian Novel, Damascus, Ministry of Culture, Syrian General Authority for Book.

Hanif, Mohammad (1386 A.H), War from three perspectives (review of 20 novels and long stories of war), Tehran, Sarir Publications.

-Hassoun, Nada (2009 A.D), The Woman in the Contemporary Iranian Novel, Al-Hiwar Al-Mutamaden Magazine, No. 2761.

Hidayat, Sadiq (1976 A.D), The Blind Owl, translated by Ibrahim El-Desouki Sheta, revised by Muhammad Rashad Ismaili Zadeh, Cairo, Egyptian General Book Authority.

Imam Khomeini (2004 A.D), Imam Khomeini's Divan, translated by Muhammad Alauddin Mansour, Cairo: The Supreme Council of Culture.

Mir Abedini, Hassan (1396 A.H), Profession in Alavi Bozorg, Tehran, Cheshmeh Publications.

Najafabadi, Somayeh Kazemi and Mohammad Rahimi Khoygani (1396 A.H), Reflection of the translation of contemporary Persian poetry in the Arab world, Quarterly Journal of Comparative Literature Research, Volume 5, Number 1.

Ojakianos, Anahid (1386 A.H), Critique of the collection of eloquent works, Tehran, Academy of Languages and Literature.

Pouyan, Majid, and Rahimeh Jafari (1396 A.H), A Study of the Function of Dialogue in the Works of Ismail Fasih, Quarterly Journal of Fiction, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Volume 5 , Number 1.

Safa, Zabihollah (2005 A.D), Treasures of Poetry, translated by Muhammad Alauddin Mansour, Cairo: The Supreme Council of Culture.

Sheta, Ibrahim El-Desouki (1986 A.D), Reading in the Contemporary Persian Novel, Cairo, Egyptian General Book Authority.

Zairi, Ali (2012 A.D), The place of contemporary Persian novels in the Arab world, Irannameh, Volume 27, Number 2 and 3.

About the author

Assistant Professor **Jassim Raddam Mahmoud** Ph.D. is one of the instructors at the Persian Language Department at the College of

Languages - University of Baghdad. He received his doctorate in Persian language and literature in 2009 from the Faculty of Humanities - Institute of Asia and Africa / Tbilisi. He has written several research papers in the field of literature and translation and has 5 books translated from Persian to Arabic and from Arabic to Persian. Below are examples of his published

Email: jassimraddam@colang.uobaghdad.edu.iq

نقد ودراسة الترجمات العربية للروايات الفارسية المعاصرة (ترجمات محمد علاء الدين منصور- أنموذجاً)

أ.م.د. جاسم ردام محمود

جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية و آدابها

المستخلص

الرواية الفارسية هي أحد الأنواع الأدبية التي قد أولاها المترجمون العرب اهتماماً كبيراً ، ويمكن القول أن الروايات الإيرانية المعاصرة على نحو خاص كانت دائماً موضع اهتمام المترجمين العرب. وترجم المترجمون العرب العديد من روايات مشاهير الكتاب الإيرانيين مثل جلال آل احمد ، صادق هدایت ، محمود دولت آبادی ، بزرك علوی ، اسماعيل فصيح ، هوشنگ گلشيري ، غلامحسين ساعدی ، سيمين دانشور ، صادق چوبک ، صمد بهرنگی و غيره والتي نقلوا من خلالها صورة المجتمع الإيراني إلى العالم العربي.

لقد تناولنا في هذا البحث ، باستخدام المنهج الوصفي - التحليلي ، نقد ودراسة " الترجمة العربية للروايات الفارسية المعاصرة" في إطار موضوعات متنوعة مثل نظرة على نظرة على ترجمات المترجمين العرب للروايات الفارسية المعاصرة ونقد موجز لترجمة الروايات الفارسية المعاصرة إلى اللغة العربية ونقد ودراسة نماذج مختارة من ترجمة المترجم المصري محمد علاء الدين منصور لروايتي (الأرضة) لبزرگ علوي و (شتاء 84) لإسماعيل فصيح. كما تناولنا بالدراسة والتحليل بعض الجوانب الدلالية و الأسلوبية و أخطاء المترجم من خلال المقارنة بين النص المترجم و النص الأصلي.

الكلمات المفتاحية: نقد الترجمة، الترجمة العربية، الرواية المعاصرة، محمد علاء الدين منصور، الأرضة، شتاء 84.